



Research Paper

Supplementary Governance in Ashura Rituals: Reproduction of Islamic-Iranian Identity and Engineering of Social Cohesion



Morteza Nesari¹, Seyed-Reza Hosseini², Abbas Babaei³, Mahdi Nazemi Ardakani⁴

1. PhD in Cultural Strategic Management, Faculty of Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Cultural Strategic Management, Faculty of Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran.

3. PhD in Cultural Systems Engineering, Faculty of Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Cultural Strategic Management, Faculty of Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran.



Citation: Nesari.M, Hosseini.R, Babaei.A, Nazemi Ardakani.M (2026). [Supplementary Governance in Ashura Rituals: Reproduction of Islamic-Iranian Identity and Engineering of Social Cohesion (Persian)]. *Journal of Governance knowledge*, 04(10), 140-159. <https://doi.org/10.22034/jokog.2026.529359.1113>



<https://doi.org/10.22034/jokog.2026.529359.1113>



Received: 09 Jun 2025

Revised: 09 Sep 2025

Accepted: 11 Mar 2026

Available Online: 19 Jun 2026

Keywords:

Supplementary Governance, Ritual Embodiment, Identity Reproduction, Social Cohesion, Ashura Rituals

ABSTRACT

This study aims to explain supplementary governance in Ashura rituals and analyze its role in reproducing Islamic-Iranian identity and engineering social cohesion. Data were collected from three sources: interviews with 30 managers of Muharram Committees and religious councils, observations in 15 rituals including Arbäeen processions and mourning groups in Tehran and Mashhad, and analysis of high-level documents like cultural policies of the Muharram Committee. Findings revealed a three-layer "Integrated Ritual Governance" model. In the infrastructural layer, formal institutions and informal entities employ discursive regulation and symbolic investment to frame the rituals. In the process layer, identity reproduction is realized through three mechanisms: ritual embodiment (collective physical experiences like chain-striking), integrated narratives (blending Ashura and Sacred Defense), and identity boundary-making (contrasting "Hossein versus Yazid"). In the outcome layer, cohesion engineering manifests through trust networks among councils, reconciliation in multicultural regions (e.g., joint Shia-Sunni ceremonies), and crisis resilience by transforming councils into relief structures. The main challenge is the temporal rupture of ritual effects beyond Muharram, which institutionalizing inter-ritual programs like council camps can address. By presenting an indigenous model, this study takes an effective step toward producing beneficial knowledge for religious governance in the Second Step of the Islamic Revolution.

*Corresponding Author:

Morteza Nesari

Address: Faculty of Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran.

E-mail: NesariMorteza@chmail.ir



مقاله پژوهشی

حکمرانی مضاف در آیین‌های عاشورایی: بازتولید هویت اسلامی-ایرانی و مهندسی انسجام اجتماعی

*مرتضی نثاری^۱، سید رضا حسینی^۲، عباس بابایی^۳، مهدی ناظمی اردکانی^۴

۱. دکتری، گروه مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
۳. دکتری مهندسی سیستم‌های فرهنگی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.
۴. دانشیار، گروه مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین سازوکارهای حکمرانی مضاف در آیین‌های عاشورایی و تحلیل نقش آن در بازتولید هویت اسلامی ایرانی و مهندسی انسجام اجتماعی انجام شده است. داده‌های میدانی از سه منبع اصلی گردآوری شد: مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ نفر از مدیران ستادهای محرم و هیأت‌های مذهبی، مشاهدات مشارکتی در ۱۵ آیین شاخص شامل پیاده‌روی اربعین و دسته‌های عزاداری در تهران و مشهد و تحلیل اسناد بالادستی مانند سیاست‌های فرهنگی ستاد محرم، یافته‌ها الگوی سه‌لایه‌ای «حکمرانی آیینی هم‌تنیده» را آشکار ساخت. در لایه‌ی زیرساختی، شبکه‌ای از نهادهای رسمی (ستادهای محرم) و غیررسمی (هیأت‌ها) با استفاده از مکانیسم‌های تنظیم‌گری گفتمانی و سرمایه‌گذاری نمادین، چارچوب آیین‌ها را مهندسی می‌کنند. در لایه‌ی فرآیندی، بازتولید هویت از طریق سه مکانیسم هم‌افزا تحقق می‌یابد: بدن‌مندی آیینی (تجربه‌ی جسمانی جمعی در مراسم‌هایی چون زنجیرزنی و پیاده‌روی)، روایت‌سازی تلفیقی (ادغام نمادهای عاشورا و دفاع مقدس) و مرزبندی هویتی (تقابل گفتمانی «حسین (ع) در برابر یزید»). در لایه‌ی پیامدی، مهندسی انسجام از طریق شبکه‌سازی اعتماد در میان هیأت‌ها، مصالحه‌گری در مناطق چند فرهنگی (مانند مراسم مشترک شیعه و سنی در زاهدان) و تاب‌آوری در بحران‌ها با تبدیل هیأت‌ها به نهادهای امداد خودجوش نمایان می‌شود. چالش اصلی مدل، گسست زمانی اثرگذاری فراتر از ایام محرم است که نهادهای ساززی برنامه‌های بین‌مناسکی همچون اردوهای جهادی هیأت‌ها به‌عنوان راه‌حل پیشنهاد می‌شود. این پژوهش با ارائه‌ی مدلی بومی از حکمرانی آیینی، گامی مؤثر در تولید علم نافع در حوزه‌ی حکمرانی دینی برای گام دوم انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

تاریخ دریافت: ۱۹ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۸ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۰ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۳۰ خرداد ۱۴۰۵

کلیدواژه‌ها:

حکمرانی مضاف،
بدن‌مندی آیینی،
بازتولید هویت،
انسجام اجتماعی،
آیین‌های عاشورایی

* نویسنده مسئول:

مرتضی نثاری

نشانی: دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

رایانامه: NesariMorteza@chmail.ir



مقدمه

نظام‌مند بهره‌برداری حکمرانانه از این ظرفیت برای انسجام‌بخشی هدفمند قرار دارد. پرسش سیاستی اساسی این است که چگونه می‌توان از تجربه محرم به‌عنوان ابزاری برای حکمرانی نرم، در جهت مهندسی هویت و تقویت انسجام اجتماعی در شرایط پیچیده کنونی بهره گرفت. همچنین، شکاف پژوهشی قابل توجهی در ادبیات موجود دیده می‌شود؛ زیرا مطالعاتی که با رویکرد تحلیل تجربی، فرآیندهای حکمرانی مضاف در مناسک عاشورایی را به پیامدهای عینی انسجام اجتماعی پیوند بزنند، تاکنون به‌اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

تحلیل وضع موجود نشان می‌دهد که آیین‌های عاشورا عمدتاً در چارچوب خودجوشی مردمی یا مدیریت اجرایی کوتاه‌مدت (مانند تأمین امنیت و کنترل ترافیک) فعالیت می‌کنند و از قابلیت‌های این مناسک در طراحی راهبردهای کلان هویتی و انسجام بخش به شکل ناقص بهره گرفته می‌شود. در مقابل، وضع مطلوب آن است که محرم به‌عنوان «مکانیسم حکمرانی فرهنگی» تبدیل شود؛ جایی که تجارب زیسته به الگوهای بومی برای تقویت هویت اسلامی و مهندسی انسجام اجتماعی بدل می‌گردند. در این صورت، «نظریه حکمرانی مضاف آیینی» مبتنی بر تجارب جمهوری اسلامی، می‌تواند به‌عنوان مرجعی علمی و راهبردی در جهان اسلام توسعه یابد.

مسئله محوری پژوهش، فقدان نقشه راه عملیاتی برای تبدیل «سرمایه نمادین عاشورا» به «سرمایه اجتماعی پایدار» است. دغدغه اصلی نویسنده، کشف این تناقض است که با وجود اقبال بی‌نظیر مردمی به آیین‌های محرم (دسته‌های عزاداری، هیأت‌ها، پیاده‌روی اربعین، این پتانسیل در سطح حاکمیت به‌مثابه ابزاری برای حل مسائل انسجامی

در گفتمان «گام دوم انقلاب اسلامی»، حفظ و تقویت هویت اسلامی-ایرانی و انسجام اجتماعی به‌عنوان دو رکن اساسی در مواجهه با چالش‌های داخلی و جهانی مطرح شده است (Rahmani et al., 2022, p. 1874). آیین‌های عاشورا - به‌ویژه تجربه‌های مردمی محرم - به‌مثابه یک سامانه فرهنگی-اجتماعی پویا، ظرفیتی بی‌نظیر برای تولید هویت جمعی و انسجام‌بخشی دارند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تحلیل تجربی نقش حکمرانی مضاف در این آیین‌ها، به دنبال کشف مکانیسم‌های اثرگذاری آن بر «بازتولید هویت اسلامی» و «مهندسی انسجام اجتماعی» در جمهوری اسلامی ایران است (Babaei, 2011, p. 38).

ضرورت نظری این پژوهش در نبود چارچوب‌های بومی برای تبیین پیوند میان «حکمرانی مضاف»، «مناسک دینی» و «مهندسی انسجام» آشکار می‌شود. این خلأ، نه‌تنها نیاز به تولید علم نافع در حوزه حکمرانی اسلامی با اتکا به داده‌های تجربی را برجسته می‌سازد، بلکه ضرورت عملی آن را نیز در نقش راهبردی آیین‌های عاشورا برای مقابله با تهدیدات هویتی (مانند شبیخون فرهنگی و فردگرایی افراطی) و چالش‌های انسجامی (شکاف‌های قومی، نسلی و طبقاتی) در گام دوم انقلاب نشان می‌دهد. افزون بر این، پژوهش با تأکید بر تجارب زیسته ایران اسلامی، به تبیین محورهای «حکمرانی مضاف» و «الگوهای حکمرانی» پرداخته و جایگاه خود را در عرصه تحلیل پدیده‌های نوین حکمرانی تثبیت می‌کند.

در رأس مسائل موردبررسی، تناقض ظاهری میان ظرفیت عظیم مردمی آیین‌های عاشورا و ضعف

نظیر گسست نسلی یا قومی به کار گرفته نمی‌شود. بر همین اساس، پرسش اصلی پژوهش چنین مطرح می‌شود: «حکمرانی مضاف در آیین‌های عاشورایی چگونه از طریق تحلیل تجربیات محرم در جمهوری اسلامی ایران، به بازتولید هویت اسلامی و مهندسی انسجام اجتماعی تحقق می‌بخشد؟»

چارچوب نظری

تبیین نقش آیین‌های عاشورایی در بازتولید هویت اسلامی ایرانی و انسجام اجتماعی، نیازمند بررسی سه مفهوم کلیدی است: هویت اسلامی ایرانی، مناسک مذهبی و حکمرانی مضاف. در این بخش، ضمن تبیین این مفاهیم، مطالعات پیشین نیز به صورت مختصر مرور می‌شوند تا جایگاه پژوهش حاضر مشخص گردد.

هویت اسلامی ایرانی و بازتولید هویت جمعی: هویت اسلامی ایرانی

مجموعه‌ای از گرایش‌ها، باورها، ارزش‌ها و الگوهای فکری و رفتاری است که فرد از طریق ارتباط با دین اسلام و تجربه تاریخی و فرهنگی مشترک شکل می‌دهد. این هویت در بعد اجتماعی، بیانگر تعلق به امت اسلامی به عنوان یک اجتماع دینی متحد است. برخلاف مطالعات دین‌داری که بر تجلی دین در باورها و اعمال فردی تمرکز دارند، در قلمرو هویت اسلامی ایرانی، کنشگران اجتماعی و نحوه ارتباط آنان با دین و تأثیر این ارتباط بر شکل‌گیری هویت فردی و جمعی محور قرار می‌گیرد (Hajiani, 2009, p. 437). به عبارت دیگر، این هویت از منظر شناخت فرد از تعلق به اسلام و نیز پیامدهای ارزشی، عاطفی و اجتماعی ناشی از این تعلق تعریف می‌شود (Ghasemi et al, 2013, p. 14).

عناصر تشکیل‌دهنده این هویت عبارت‌اند از: باور به دین اسلام، تقید به ظواهر و احکام دینی، مشارکت در مناسک و آیین‌های مذهبی و اشتراک در تاریخ و حافظه اسلامی که از آغاز اسلام تاکنون امت را به عنوان پیکری متحد پیوند داده است (Babaei Zarch, 2004, p. 195). همچنین، مفهوم هویت اسلامی ایرانی بازتاب‌دهنده‌ی درکی است که مسلمانان از خود دارند و نیز درکی که دیگران از آنان ابراز می‌کنند؛ این پدیده به شکل‌گیری امتی مشترک در میان مسلمانان انجامیده که در تقسیم‌بندی‌های مذهبی (تشیع و تسنن) نیز تجلی می‌یابد.

در حوزه حکمرانی دینی، ارزش‌های هویتی اسلامی ایرانی زمینه‌ساز چارچوب‌های حکومتی هستند که در آن اصول اخلاقی و دینی مانند عدالت، هم‌بودگی، امر به معروف و نهی از منکر، پایه‌های سیاست‌گذاری و اجرا را تشکیل می‌دهند. در این مدل، تمرکز بر مشارکت فعال کنشگران اجتماعی است که از طریق رعایت آیین‌ها و مناسک دینی، هم هویت فردی را تثبیت می‌کنند و هم وحدت اعتقادی و همبستگی اجتماعی را به ارمغان می‌آورند (Morshedizad & Ahmadlu, 2017, p. 66). در تعالیم اسلامی، اصول بنیادین توحید، نبوت و معاد، ضمن ایجاد حس برادری و همدردی در میان مسلمانان، بنیان‌های جامعه نوین اسلامی را پایه‌ریزی کرده‌اند (Lakzai, 2006, p. 216) و آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳) نیز بر کرامت انسانی مبتنی بر تقوا به عنوان چارچوب ارزشی مشترک تأکید دارد (Iman & Rouhani, 2013, p. 129). در مجموع، هویت اسلامی ایرانی در تعامل با ساختارهای حکمرانی دینی، هم مبنای وحدت اعتقادی و اجتماعی و هم چارچوبی برای سیاست‌گذاری اخلاقی و مشارکتی در جامعه معاصر



فراهم می‌سازد.

در برخی مطالعات، مؤلفه‌های ارزشی و گفت‌مانی مؤثر بر هویت جمهوری اسلامی (همچون توحید، عدالت و استکبارستیزی) مورد توجه قرار گرفته‌اند و در برخی دیگر، نقش تاریخی یادآوری مصائب عاشورا در انسجام امت اسلامی برجسته شده است (Jansiz & Rezapour, 2020; Babaee, 2011).
 با این حال، این پژوهش‌ها عمدتاً به سازوکارهای نهادی و حکمرانی مناسک عاشورایی نپرداخته‌اند و رویکرد آن‌ها بیشتر گفت‌مانی یا تاریخی بوده است.

مناسک مذهبی و کارکردهای هویتی و اجتماعی

مراسم مذهبی فعالیت‌هایی الگو گونه با ابعاد نمادین و مشروعیت اجتماعی هستند که در قالب اعمال، قواعد و نقش‌های مشخص تجلی می‌یابند. این مناسک، قوانین رسمی و ظاهری باورهای دینی محسوب می‌شوند که منشأ آن‌ها در متون اصیل دینی (قرآن، سنت و حدیث) تعیین شده و به‌عنوان احکام شریعت در زمینه رفتارهای دینی تلقی می‌گردند؛ استنکاف از آن‌ها معصیت و حتی مستوجب عقاب تعریف شده است (Azdānlu, 2007, Mazaheri; 559, p. 2010).

در عمل، مناسک دینی که در قالب آیین‌ها، سنن و شعائر اجرا می‌شوند، نه تنها بُعدی از تجربه دینی فردی را برمی‌انگیزند، بلکه به‌عنوان عاملی مهم در بازتولید وجدان جمعی و تثبیت هویت دینی در میان اجتماعات، به‌ویژه در مراسم جمعی نظیر عزاداری‌های محرم، ایفای نقش می‌کنند. مراسم آیینی مانند عزاداری محرم در حسینیه‌ها، عزا خانه‌ها و تکایا، با ایجاد حالت عاطفی جمعی، نقش مؤثری در همبستگی و وحدت اجتماعی شیعیان دارد (Afzakhteh & Norouzi, 2020, p. 27).

رفتارهای مناسکی نظیر نیایش، دعاخوانی، جشن‌ها و قربانی، افزون بر تقویت همبستگی گروهی، به پیشبرد دگرگونی‌های اجتماعی نیز کمک می‌کنند؛ زیرا کنش جمعی، پیوند عاطفی و اجتماعی را تقویت می‌نماید (Bates, 1998, p. 386).

مناسک دینی به‌عنوان بخشی از شریعت، از طریق انتقال آموزه‌های اخلاقی و دینی، هم زمینه تجربه دینی فردی را فراهم می‌آورند و هم عاملی کلیدی در بازتولید هویت و وحدت اجتماعی محسوب می‌شوند. در بعد حکمرانی، نهادهای دینی می‌توانند با تکیه بر این مناسک، چارچوب‌های مشارکتی و همگانی را برای راهبردهای اخلاقی و فرهنگی شکل دهند که نشان‌دهنده پیوند معتبر بین ارزش‌های دینی و ساختارهای حکومتی در جهت تحقق اهداف اجتماعی و معنوی است (Jafarzadeh & Amin, 2019, pp. 105121, Kalibar).

بیشتر مطالعات موجود در این حوزه بر ابعاد دینی، جامعه‌شناختی یا کارکردهای همبستگی بخش مناسک متمرکز بوده‌اند. با این حال، نسبت میان ظرفیت‌های اجتماعی مناسک و سازوکارهای حکمرانی در سازمان‌دهی و جهت‌دهی به این ظرفیت‌ها به‌طور یکپارچه بررسی نشده است (Afzakhteh & Norouzi, 2020, Bates; 1998).

۳. حکمرانی مضاف

حکمرانی فرایندی چندبعدی است که در آن هماهنگی میان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، با تأکید بر مشارکت فعال، عدالت، شفافیت و پاسخگویی، زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌آورد. نظریه حکمرانی مطلوب بر مشارکت مردم به‌عنوان عامل و واسطه توسعه تأکید دارد؛ به‌گونه‌ای که مردم نه تنها ذی‌نفع، بلکه بازیگر اصلی در شکل‌دهی به

مرور ادبیات نشان می‌دهد که مطالعات پیشین هر یک بخشی از مسئله را پوشش داده‌اند: گروهی بر هویت و گفتمان سیاسی، گروهی بر کارکردهای تاریخی عاشورا، گروهی بر مناسک و همبستگی اجتماعی و گروهی بر حکمرانی فرهنگی متمرکز بوده‌اند. با این حال، هیچ‌کدام به تبیین منسجم نسبت میان حکمرانی مضاف، مناسک عاشورایی و بازتولید هویت و انسجام اجتماعی نپرداخته‌اند (Hajiani, 2009; Babae, 2011; Afzakhteh & Norouzi, 2020; PourEzzat, 2019; Yaghini et al, 2021). پژوهش حاضر درصدد پر کردن همین خلأ است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون انجام شد (Boyatzis, 1998, p. 20). داده‌ها از سه منبع اصلی جمع‌آوری گردیدند: مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته، مشاهدات مشارکتی و تحلیل اسناد بالادستی. مصاحبه‌ها با ۳۰ نفر از مدیران و اعضای فعال هیأت‌های مذهبی و ستادهای محرم در مناطق شهری و روستایی ایران (تهران، مشهد، اصفهان، خوزستان، سیستان و بلوچستان) انجام شد. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و سؤالات به‌گونه‌ای طراحی شدند که تجارب زیسته در زمینه هویت‌سازی، انسجام اجتماعی و نقش حکمرانی مضاف را کاوش کنند. مشاهدات مشارکتی در ۱۵ آیین شاخص (شامل پیاده‌روی اربعین و دسته‌های عزاداری) در تهران، مشهد و مناطق روستایی صورت گرفت تا تعاملات اجتماعی و مکانیسم‌های آیینی مانند بدن‌مندی و روایت‌سازی مشاهده شوند. تحلیل اسناد بالادستی، از جمله سیاست‌های فرهنگی ستاد محرم، برای شناسایی چارچوب‌های گفتمانی و نقش نهادهای رسمی در حکمرانی مضاف انجام شد.

سیاست‌های توسعه محور هستند (Dekker & Kempen, 2004, p. 109).

«حکمرانی متعالی» گونه‌ای از حکمرانی مبتنی بر نظام ارزشی الهی (اسلامی) است که هدف آن سعادت دنیوی و اخروی مردم است. از این منظر، حاکمیت ذاتاً از آن خداست و مشروعیت حکمرانان مشروط به تزکیه نفس و مقبولیت است؛ در این سیستم، تنظیم روابط و فعال‌سازی ظرفیت‌های کنشگران بر اساس هدایت الهی و اراده مردمی شکل می‌گیرد (Mahmoudi et al, 2022, p. 33).

حکمرانی مضاف، فراتر از خط‌مشی‌های سنتی و ساختارهای استاندارد اداری، به‌عنوان نظامی نوین، میان‌رشته‌ای و مشارکتی تعریف می‌شود که دانش‌های تخصصی و تجربیات عملی را در قالب راهکارهای جامع برای حل چالش‌های چندبعدی جامعه به کار می‌گیرد. این رویکرد با تلفیق دانش‌های بنیادی از علوم مختلف و ارزش‌های اخلاقی و دینی، سیاست‌هایی را تدوین و اجرا می‌کند که هم‌زمان پاسخگوی نیازهای فنی و انسانی هستند (PourEzzat, 2021, p. 182). حکمرانی مضاف به‌عنوان پلی بین دانش نظری و تجربیات میدانی، با تکیه بر شفافیت و مشارکت گسترده، نقش اساسی در توسعه نظام‌های پاسخگو و تحول ساختارهای حکومتی ایفا می‌کند.

برخی پژوهش‌های پیشین به پیامدهای کلان استکبارستیزی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و برخی دیگر مؤلفه‌های حکمرانی محلی فرهنگی (همچون قانون‌گرایی، عدالت و سرمایه اجتماعی) را شناسایی کرده‌اند (Ghasemi, 2021; Yaghini et al, 2019). با این حال، هیچ‌یک از این مطالعات به‌طور مشخص به حکمرانی در عرصه مناسک عاشورایی و سازوکارهای آن نپرداخته‌اند.



۳ مضمون فراگیر (حکمرانی مضاف، بازتولید هویت، مهندسی انسجام؛ و ۶) تدوین گزارش نهایی که الگوی سه‌لایه را شکل داد. برای نمونه، کدهای مرتبط با «ریتیم مشترک درد» در پیاده‌روی اربعین به مضمون بدن‌مندی جمعی و کدهای مرتبط با همکاری‌های محلی و امدادی به شبکه‌های اعتماد آیینی و تاب‌آوری زمانمند منجر شدند.

برای تضمین اعتبار، از مثلث سازی داده‌ها (ترکیب مصاحبه، مشاهدات و اسناد)، بررسی اعضا (ارائه نتایج اولیه به مصاحبه‌شوندگان) و بازبینی همتایان (توسط دو پژوهشگر مستقل) استفاده شد. ضریب پایایی کاپای کوهن برابر با ۰/۸۲ بود که نشان‌دهنده پایایی بالای تحلیل است. این فرآیند، ارتباط مستقیم بین داده‌ها و خروجی‌ها را تضمین کرد؛ برای نمونه، مضمون تنظیم‌گری گفت‌وگویی از تحلیل اسناد و مصاحبه‌های مدیران ستاد و مضمون بدن‌مندی جمعی از مشاهدات پیاده‌روی اربعین و مصاحبه‌ها استخراج شدند.

محدودیت‌های پژوهش شامل سوگیری یادآوری (به دلیل تکیه بر خاطرات مصاحبه‌شوندگان)، تأثیر ذهنیت پژوهشگر و عدم امکان پوشش همه مناطق ایران بود. باوجود این، ترکیب منابع متنوع و تحلیل سامانمند، امکان استخراج الگوی سه‌لایه را فراهم کرد: لایه زیرساختی (حکمرانی مضاف شبکه‌ای) از تحلیل اسناد و مصاحبه‌ها، لایه فرآیندی (بدن‌مندی، روایت سازی، مرزبندی) از مشاهدات و مصاحبه‌ها و لایه پیامدی (شبکه‌های اعتماد، مصالحه‌گری، تاب‌آوری) از ترکیب داده‌های میدانی و مصاحبه‌ها شکل گرفت. این فرآیند علمی، خروجی‌های پژوهش را به داده‌های اولیه متصل کرد و از ارائه نظرات بدون پشتوانه پژوهشی جلوگیری نمود.

ترکیب این سه منبع از طریق مثلث سازی، امکان شناسایی مکانیسم‌های کلیدی مانند تنظیم‌گری گفت‌وگویی و خودسازمان‌دهی مردمی را فراهم آورد که پایه‌های الگوی سه‌لایه را تشکیل دادند.

نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با فن گلوله‌برفی انجام شد تا تنوع جغرافیایی، جنسیتی و تجربی تضمین گردد. معیارهای ورود شامل حداقل سه سال سابقه فعالیت مستمر در هیأت‌های مذهبی و مشارکت در پروژه‌های فرهنگی مذهبی بود. نمونه نهایی شامل ۳۰ نفر (۲۰ مرد، ۱۰ زن) با میانگین سنی ۳۸ سال (دامنه ۲۵ تا ۵۵ سال) بود. از نظر تحصیلات، ۵ نفر دیپلم یا پایین‌تر، ۱۵ نفر کارشناسی، ۸ نفر کارشناسی ارشد و ۲ نفر دکتری داشتند. سابقه فعالیت بین ۳ تا ۲۰ سال (میانگین ۸/۴ سال) متغیر بود. پراکندگی جغرافیایی شامل ۱۲ نفر از تهران و مشهد، ۱۰ نفر از شهرهای متوسط (اصفهان، اهواز) و ۸ نفر از مناطق روستایی (سیستان و بلوچستان، خوزستان) بود. نقش‌های مشارکت‌کنندگان شامل ۱۵ مدیر هیأت، ۱۰ عضو فعال در برنامه‌ریزی و ۵ مسئول پروژه‌های اقتصادی یا خیریه بود. این تنوع نمونه به شناسایی مضامین متنوعی از جمله بدن‌مندی جمعی و شبکه‌های اعتماد آیینی کمک کرد که به‌طور مستقیم به لایه‌های فرآیندی و پیامدی مدل سه‌لایه متصل شدند.

تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد شش مرحله‌ای براون و کلارک انجام شد ((Braun & Clarke, 2022: ۱) مطالعه دقیق متون مصاحبه‌ها، یادداشت‌های میدانی و اسناد؛ ۲) استخراج ۳۵۰ کد اولیه با تمرکز بر مفاهیم هویت، انسجام و حکمرانی مضاف؛ ۳) دسته‌بندی کدها به مضامین پایه و سازمان‌دهنده؛ ۴) بازبینی انتقادی برای حذف موارد تکراری؛ ۵) تعریف و نام‌گذاری ۱۵ مضمون سازمان‌دهنده و

یافته‌های تحقیق

مضمون فراگیر دوم: فرآیندهای بازتولید هویت

در این مضمون، فرآیندهای بازتولید هویت از طریق سازوکارهای آیینی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر با جایگزینی «تولید» با «بازتولید/ساخت» - به‌منظور تأکید بر پویایی و تغییر ذاتی در هویت‌های فرهنگی - می‌کوشد فرایندهای تحول هویتی را در بستر مناسک دینی تبیین کند. این تحلیل نه‌تنها به پرسش «چگونه بازتولید هویت از طریق آیین‌های دینی انجام می‌شود» پاسخ می‌دهد، بلکه با بررسی چالش‌های هویتی نظیر شکاف نسلی و تهدیدات ناشی از تداخل فرهنگی، ابعاد تازه‌ای از بحران‌ها و فرصت‌های موجود در جامعه را به بازنگری فرا می‌خواند. از منظر اهمیت اجماعی، این مضمون نقش آن را در ارائه‌ی الگویی بومی برای مدیریت چالش‌های هویتی در جوامع اسلامی بسیار برجسته می‌سازد؛ زیرا فرآیند بازتولید هویت، پایه‌ای برای ایجاد همبستگی و تقویت دیدگاه‌های مشترک میان اقشار مختلف جامعه محسوب می‌شود.

مضمون فراگیر سوم: مهندسی انسجام اجتماعی

در این مضمون، مهندسی انسجام اجتماعی از منظر سرمایه‌های آیینی و تأثیرات حکمرانی مضاف مورد توجه قرار گرفته است. این بخش با ترکیب سطوح تحلیل خرد (تجربه‌ی بدن‌مندی آیینی)، میانی (شبکه‌سازی در میان نهادهای دینی) و کلان (مهندسی انسجام ملی)، چارچوبی جامع و چندبعدی برای تبیین چگونگی تبدیل سرمایه‌ی آیینی به انسجام اجتماعی ارائه می‌دهد. پژوهش از مفاهیمی همچون حکمرانی نمادین، نهادی، سیاسی و گفتمانی به‌عنوان محرک‌های اصلی انسجام بهره می‌گیرد و پیامدهای آن را در قالب مهندسی انسجام اجتماعی شناسایی می‌کند. از زوایای اجماعی، این مضمون اهمیت راهبردی خود را در توانمندسازی

پژوهش حاضر می‌کوشد با ارائه‌ی دیدگاهی جامع، به تحلیل و بازسازی مفاهیم و مضامین کلیدی در مناسک عاشورایی بپردازد. هدف از شناسایی این مضامین، ارائه‌ی چارچوبی نظری و کاربردی برای تبیین نقش‌ها و سازوکارهای متقابل در حوزه‌ی حکمرانی دینی، بازتولید هویت و مهندسی انسجام اجتماعی است. این رویکرد تحلیلی، افزون بر پاسخ‌گویی به پرسش‌های بنیادین پژوهش، به تحلیل دقیق ابعاد فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد تا ابعاد پنهان و قدرت بخش مناسک دینی را آشکار سازد.

مضمون فراگیر اول: سازوکارهای حکمرانی مضاف

در این مضمون، چارچوب‌های نظری و کاربردی مرتبط با سازوکارهای حکمرانی مضاف تبیین می‌شوند. پژوهش در این بخش با تمرکز بر تحلیل دقیق مکانیسم‌های نهادی، گفتمانی و ارزیابی، الگوهای حکمرانی موجود در مناسک عاشورایی را آشکار می‌کند. رویکرد اتخاذشده، افزون بر پاسخ به پرسش «چگونگی عملکرد» حکمرانی مضاف، موقعیت تاریخی تجربیات بومی - به‌ویژه تجربه‌ی محرم در گام اول انقلاب - را در بستر نظری به‌عنوان سنگ بنایی برای تدوین نظریه‌های نوین ارائه می‌دهد. از منظر اهمیت اجماعی، تحلیل این مضمون بر نقش حیاتی حکمرانی دینی در ایجاد انسجام اجتماعی و تقویت ارزش‌های مشترک تأکید دارد؛ به‌گونه‌ای که کشف الگوهای حکمرانی مضاف، بستر فکری و عملی برای سازگاری نهادهای اجتماعی در مواجهه با تحولات فرهنگی و سیاسی را فراهم می‌آورد.



اعضای فعال هیأت در مشهد اظهار داشت: «اعتماد مردم به هیأت‌ها به خاطر ریشه‌های مردمی ماست، ما پیام عاشورا را به شکلی منتقل می‌کنیم که در دل مردم جا می‌گیرد.» اما یکی از مصاحبه‌شوندگان در سیستان و بلوچستان نظر متفاوتی داشت: «وقتی دخالت‌های دولتی زیاد می‌شود، مردم احساس می‌کنند هیأت‌ها از اصل‌تشان فاصله گرفته‌اند و اعتمادشان کم می‌شود.» این تعامل دیالکتیکی، گاه به تنش‌های سیاسی (مضمون ۱.۳) می‌انجامد؛ برای نمونه در آیین‌های خودجوشی مانند «دسته‌های زنجیرزنی خلاق» که گاه با الگوهای رسمی روایت‌پردازی هم‌خوانی ندارند. یکی از برگزارکنندگان این دسته‌ها در تهران گفت: «ما با خلایق در زنجیرزنی، سعی می‌کنیم نسل جوان را جذب کنیم، اما گاهی ستادها این نوآوری‌ها را خارج از چارچوب می‌دانند.» در مقابل، یکی از مدیران ستاد در اصفهان معتقد بود: «نوآوری خوب است، اما باید در چارچوبی باشد که پیام عاشورا تحریف نشود».

باین‌حال، همین تنش‌ها به ظهور مکانیسم‌های تطبیقی مانند «شوراهای حل اختلاف هیأتی» انجامیده است که بدون مداخله مستقیم دولت، به تعدیل گفتمان‌ها می‌پردازند (مضمون ۱.۵). یکی از اعضای این شوراهای در مشهد اظهار داشت: «ما با گفت‌وگو بین هیأت‌ها و ستادها، اختلافات را حل می‌کنیم تا هم خلایق حفظ شود و هم وحدت مراسم.» اما یکی از مصاحبه‌شوندگان در اهواز نظر متفاوتی داشت: «شوراهای حل اختلاف گاهی فقط نظرات ستادها را تأیید می‌کنند و صدای هیأت‌های کوچک‌تر شنیده نمی‌شود.» ارزیابی اثربخشی (مضمون ۱.۵) نیز نه بر مبنای شاخص‌های کمی صرف (مانند تعداد شرکت‌کنندگان)، بلکه از طریق

سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان برای مقابله با چالش‌های پیچیده اجتماعی آشکار می‌سازد؛ زیرا ایجاد انسجام اجتماعی بر مبنای بهره‌گیری از سرمایه‌های آیینی، امکان تقویت ساختار اجتماعی و پیشگیری از فروپاشی‌های احتمالی را فراهم می‌آورد.

تحلیل مضامین

یافته‌های مرتبط با مضمون فراگیر اول

براساس تحلیل مضامین، حکمرانی مضاف در مناسک عاشورایی نقشی محوری دارد؛ اما این حکمرانی نه به مثابه‌ی ساختاری متمرکز و بالاب‌پایین، بلکه به عنوان شبکه‌ای پویا از کنشگران دولتی و غیردولتی عمل می‌کند (مضمون ۱.۱). نهادهای رسمی (مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ستادهای محرم) عمدتاً از طریق «تنظیم‌گری گفتمانی» (مضمون ۱.۴) و با تعیین خطوط قرمز روایی (همچون تأکید بر وحدت‌گرایی و پرهیز از تحریک فرقه‌ای)، چارچوب نمادین آیین‌ها را مهندسی می‌کنند. یکی از مدیران ستاد محرم در تهران اظهار داشت: «ما با تعیین خطوط قرمز، سعی می‌کنیم روایت‌های عاشورایی را در مسیری قرار دهیم که وحدت ملی را تقویت کند، اما برخی هیأت‌ها این چارچوب‌ها را محدودکننده می‌دانند و ترجیح می‌دهند سبک سنتی خود را حفظ کنند.» در مقابل، یکی از اعضای هیأت در خوزستان گفت: «دستورالعمل‌های ستاد به ما کمک کرده تا پیام عاشورا را با انسجام بیشتری به مردم منتقل کنیم، هرچند گاهی این چارچوب‌ها با نیازهای محلی ما همخوانی ندارد».

هیأت‌های مذهبی (مضمون ۱.۲) به مثابه‌ی بازوهای اجرایی حکمرانی مضاف، با بهره‌گیری از «سرمایه‌ی اعتماد مردمی»، مسئولیت تبدیل این چارچوب‌ها به تجارب زیسته‌ی آیینی را بر عهده دارند. یکی از

جدول ۱. مضامین پژوهش

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	ارتباط با سؤال پژوهش
۱. سازوکارهای حکمرانی مضاف در آیین‌های عاشورایی	۱.۱. مدیریت نمادین و سرمایه‌گذاری فرهنگی	تبیین نحوه‌ی به‌کارگیری منابع نمادین عاشورا در فرآیند حکمرانی
	۱.۲. نهادهای واسط و نقش‌آفرینی هیأت‌های مذهبی	تحلیل جایگاه نهادهای غیردولتی به‌مثابه ابزار حکمرانی مضاف
	۱.۳. سیاست‌گذاری آیینی: از خودجوشی تا مهندسی اجتماعی	واکاوی تبدیل تجربیات مردمی به راهبردهای کلان حکومتی
	۱.۴. تنظیم‌گری گفتمانی در روایت‌پردازی عاشورایی	بررسی مکانیسم‌های کنترل گفتمان برای بازتولید هویت مطلوب
	۱.۵. ارزیابی اثربخشی حکمرانی: شاخص‌های کیفی و کمی	طراحی معیارهای سنجش موفقیت حکمرانی مضاف در مناسک
۲. فرآیندهای بازتولید هویت اسلامی-ایرانی	۲.۱. روایت‌سازی حماسی-اعتقادی در مناسک محرم	تحلیل نقش آیین‌ها در ساخت روایت‌های هویت‌ساز
	۲.۲. بدن‌مندی آیینی به‌مثابه تجربه‌ی هویتی	بررسی تأثیر کنش‌های فیزیکی (زنجیرزنی، پیاده‌روی) در تثبیت هویت
	۲.۳. مرزبندی هویتی: متمایزسازی «ما/دیگری»	واکاوی کارکرد آیین‌ها در ایجاد تمایزات هویتی در برابر گفتمان‌های رقیب
	۲.۴. انتقال بین‌نسلی ارزش‌ها از مجرای شعائر	تبیین مکانیسم‌های تداوم هویت در گذار نسل‌ها
	۲.۵. همسازی هویت ملی و دینی در آیین‌های ترکیبی	تحلیل تلفیق نمادهای ایرانی-اسلامی (نظیر تعزیه) در ساخت هویت چندلایه
۳. مهندسی انسجام اجتماعی از رهگذر حکمرانی آیینی	۳.۱. شبکه‌سازی اجتماعی مبتنی بر اعتماد آیینی	بررسی نقش هیأت‌ها در ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی
	۳.۲. آیین‌های اشتراکی به‌مثابه گفتمان مصالحه	تحلیل کارکرد مناسک در کاهش شکاف‌های قومی/طبقاتی
	۳.۳. یکپارچه‌سازی نمادین: از محلی‌گرایی تا امت‌گرایی	واکاوی تبدیل هویت‌های محلی به انسجام کلان ملی
	۳.۴. مکانیسم‌های تاب‌آوری جمعی در بحران‌ها	تبیین نقش آیین‌ها در ایجاد همبستگی در شرایط تهدید (نظیر تحریم‌ها)
	۳.۵. حکمرانی زمانمند: تداوم اثرگذاری مناسک	تحلیل استراتژی‌های حفظ اثر انسجام‌بخشی فراتر از ایام محرم

منبع: یافته‌های پژوهش



نشان می‌دهد که خطبه‌های هیأت‌های جوانان محلات، عمدتاً بر این ادغام نمادین تأکید دارند. یکی از خطیبان جوان در مشهد اظهار داشت: «ما در سخنرانی‌ها سعی می‌کنیم عاشورا را با مقاومت شهدای دفاع مقدس پیوند بزنیم تا جوانان هویت ایرانی و اسلامی را یکجا حس کنند.» اما یکی از مصاحبه‌شوندگان در سیستان و بلوچستان نظر متفاوتی داشت: «این تأکید بیش‌ازحد روی پیوند عاشورا و دفاع مقدس گاهی باعث می‌شود بعد محلی فرهنگ عاشورایی ما کمرنگ شود».

سوم، «مرزبندی هویتی» (مضمون ۲.۳): آیین‌ها با برجسته‌سازی تقابل «حسین (ع)/یزید»، الگویی از «ما/دیگری» می‌سازند که در آن «دیگری» نه صرفاً یک دشمن تاریخی، بلکه گفتمان‌های معاصر مهاجم (لیبرالیسم افراطی، سکولاریسم) را نشانه می‌رود. یکی از اعضای هیأت در اصفهان گفت: «ما در مراسم‌ها نشان می‌دهیم که مبارزه‌ی امام حسین (ع) فقط برای گذشته نیست، بلکه در برابر ارزش‌های غربی امروز هم ادامه دارد.» در مقابل، یکی از مصاحبه‌شوندگان در تهران اظهار داشت: «این مرزبندی‌ها گاهی باعث می‌شود گروهی از مردم که دیدگاه‌های متفاوتی دارند، احساس طردشدگی کنند».

این سه‌گانه، انتقال بین نسلی ارزش‌ها (مضمون ۲.۴) را از طریق «تجربه‌ی آیینی مشترک والدین و فرزندان» تسهیل می‌کند. یکی از والدین در اهواز گفت: «وقتی با فرزندم در مراسم سینه‌زنی شرکت می‌کنم، حس می‌کنم ارزش‌های عاشورایی را به او منتقل کرده‌ام.» اما یکی از جوانان در تهران نظر متفاوتی داشت: «بعضی از آیین‌ها برای ما جوان‌ترها خیلی سنتی به نظر می‌رسد و حس می‌کنیم از دنیای امروزمان فاصله دارد».

سنجه‌های کیفی مانند «عمق هیجان جمعی» یا «تکرارپذیری الگوهای هم‌بخش» صورت می‌پذیرد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در تهران گفت: «برای ما مهم این است که مراسم حس عاشورایی را در دل مردم زنده کند، نه اینکه فقط تعداد زیادی شرکت‌کننده داشته باشیم.» در مقابل، یکی از اعضای هیأت در سیستان و بلوچستان اظهار داشت: «تعداد شرکت‌کنندگان هم مهم است، چون نشان می‌دهد مراسم چقدر توانسته تأثیر اجتماعی داشته باشد».

یافته‌های مرتبط با مضمون فراگیر دوم

یافته‌ها نشان می‌دهد که بازتولید هویت در آیین‌های عاشورایی، محصول سه مکانیسم درهم‌تنیده است: نخست، «بدن‌مندی آیینی» (مضمون ۲.۲): کنش‌های فیزیکی مانند پیاده‌روی اربعین یا سینه‌زنی، از طریق تحمیل «ریتیم مشترک درد» بر بدن‌ها، نوعی حافظه‌ی جسمانی جمعی می‌آفرینند که هویت اسلامی را از سطح شناختی به سطح زیسته ارتقا می‌دهد. یکی از شرکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین از خوزستان اظهار داشت: «وقتی در پیاده‌روی اربعین قدم می‌زنیم، درد پاها و خستگی بدن ما را به امام حسین (ع) نزدیک‌تر می‌کند؛ این حس اتحاد را در وجودمان زنده می‌کند.» در مقابل، یکی از اعضای هیأت در تهران گفت: «بعضی جوانان فقط برای تجربه‌ی اجتماعی می‌آیند و ممکن است این حس عمیق آیینی را درک نکنند».

دوم، «روایت‌سازی حماسی» (مضمون ۲.۱): تبدیل واقعی‌های عاشورا از یک تراژدی صرف به «اسطوره‌ی مقاومت»، با ادغام نمادهای شیعی (امام حسین (ع)) و ملی (شهدای دفاع مقدس)، هویت دوگانه‌ی اسلامی-ایرانی را بازتولید می‌کند. تحلیل داده‌ها

یافته‌های مرتبط با مضمون فراگیر سوم

یافته‌ها حاکی از آن است که مهندسی انسجام در آیین‌های عاشورایی، نه یک محصول خودبه‌خودی، بلکه پیامد طراحی هدفمند حکمرانی مضاف است. آیین‌های عاشورا با ایجاد «شبکه‌های اعتماد آیینی» (مضمون ۳.۱)، سرمایه‌ی اجتماعی را در دو سطح تولید می‌کنند: سطح افقی (پیوند بین هیأت‌های یک محله) و سطح عمودی (ارتباط هیأت‌ها با نهادهای حاکمیتی). یکی از مدیران هیأت در تهران اظهار داشت: «هیأت ما با دیگر هیأت‌های محله همکاری نزدیکی دارد، این همکاری‌ها حس اتحاد را بین ما تقویت کرده و حتی به هماهنگی با نهادهای دولتی کمک می‌کند.» در مقابل، یکی از اعضای هیأت در سیستان و بلوچستان گفت: «ارتباط با نهادهای دولتی گاهی باعث می‌شود استقلال هیأت‌ها زیر سؤال برود و اعتماد محلی کاهش یابد».

کارکرد مصالحه‌گرایانه (مضمون ۳.۲) مناسک، در مناطق مرزی ایران (مانند سیستان و بلوچستان) آشکارتر است؛ جایی که گردهم‌آیی اهل سنت و شیعه در «دسته‌های مشترک عزاداری»، به‌رغم تفاوت‌های مذهبی، الگویی بومی از هم‌زیستی ارائه می‌دهد. یکی از برگزارکنندگان مراسم در سیستان و بلوچستان اظهار داشت: «دسته‌های مشترک ما با اهل سنت نشان‌دهنده‌ی وحدت عمیقی است که عاشورا ایجاد می‌کند، همه کنار هم عزاداری می‌کنیم.» اما یکی از مصاحبه‌شوندگان در همان منطقه نظر متفاوتی داشت: «هرچند دسته‌های مشترک خوب است، اما گاهی تفاوت‌های فرهنگی باعث می‌شود هماهنگی کامل ایجاد نشود».

مهم‌تر آنکه، انسجام تولیدشده، «تاب‌آوری زمانمند» (مضمون ۳.۴) دارد؛ به این معنا که در بحران‌هایی مانند سیل یا تحریم‌ها، شبکه‌های هیأتی سریعاً به

نهادهای امداد خودجوش تبدیل می‌شوند. یکی از اعضای هیأت در خوزستان گفت: «در سیل چند سال پیش، هیأت ما سریعاً به کمک مردم رفت، چون شبکه‌ی اعتماد بین اعضا آماده بود.» در مقابل، یکی از مصاحبه‌شوندگان در مشهد اظهار داشت: «این فعالیت‌های امدادی خوب است، اما فقط در زمان بحران پررنگ است و بعد از آن کم‌رنگ می‌شود.» با این حال، چالش اصلی، تداوم اثرگذاری (مضمون ۳.۵) فراتر از ایام محرم است که حکمرانی مضاف از طریق «برنامه‌های بین‌مناسکی» (مانند هیأت‌های ماهانه یا اردوهای راهپیمایی مجازی) به آن پاسخ می‌دهد. یکی از برگزارکنندگان هیأت در اصفهان گفت: «برنامه‌های ماهانه‌ی ما باعث شده حس انسجام عاشورایی در طول سال حفظ شود.» اما یکی از جوانان در تهران نظر متفاوتی داشت: «این برنامه‌های بین‌مناسکی گاهی برای نسل ما جذاب نیست و بیشتر برای بزرگ‌ترها طراحی شده است».

تشریح و تبیین مدل پژوهش

مدل نهایی پژوهش «الگوی حکمرانی آیینی: مدل سه‌لایه‌ای بازتولید هویت و مهندسی انسجام در مناسک عاشورایی» نشان می‌دهد که آیین‌های عاشورا نه صرفاً پدیده‌ای دینی، بلکه سامانه‌ای حکمرانانه با سه لایه هستند که هر یک به‌نوبه‌ی خود نقشی اساسی در بازتولید هویت و مهندسی انسجام اجتماعی ایفا می‌کنند.

لایه‌ی زیرساختی: حکمرانی مضاف شبکه‌ای

در این لایه، شبکه‌ای پویا از نهادهای رسمی (ستادهای ملی محرم، وزارتخانه‌ها)، نیمه‌رسمی (حوزه‌های علمی، مؤسسات فرهنگی) و غیررسمی (هیأت‌های مذهبی، گروه‌های مردمی) شکل می‌گیرد. این شبکه با ایجاد فضای تنظیم‌گری



ب) روایت سازی تلفیقی: ادغام نمادهای شیعی (عاشورا) با اسطوره‌های ملی (دفاع مقدس) در خطبه‌ها و نمایش‌ها، هویت دوگانه‌ی «اسلامی- ایرانی» را بازتولید می‌کند. یکی از خطیبان در مشهد اظهار داشت: «ما با پیوند عاشورا و دفاع مقدس، به جوانان نشان می‌دهیم که هویت‌مان ریشه در مقاومت دارد.» در مقابل، یکی از مصاحبه‌شوندگان در اهواز گفت: «این پیوند گاهی باعث می‌شود جنبه‌های محلی عاشورا کمرنگ شود.»

ج) مرزبندی پویا: تقابل نمادین «حسین (ع)/یزید» تمایز بین «ما» (امت مقاومت گرا) و «دیگری» (گفتمان‌های مهاجم معاصر) را ایجاد می‌کند. یکی از اعضای هیأت در اصفهان گفت: «ما با این مرزبندی، جوانان را در برابر ارزش‌های غربی مقاوم می‌کنیم.» اما یکی از مصاحبه‌شوندگان در تهران اظهار داشت: «این مرزبندی‌ها گاهی باعث دوری کسانی می‌شود که دیدگاه‌های متفاوتی دارند.»

لایه‌ی پیامدی: مهندسی انسجام تاب‌آور

خروجی لایه‌های پیشین، انسجامی است که از سرمایه‌ی نمادین آیین‌ها برمی‌آید و دارای سه ویژگی کلیدی است:

الف) شبکه‌سازی اعتماد: هیأت‌ها به‌مثابه گره‌های اجتماعی، سرمایه‌ای افقی (بین مردم) و عمودی (بین مردم و حکومت) تولید می‌کنند. یکی از مدیران هیأت در تهران گفت: «هیأت‌ها با همکاری‌های محلی و ارتباط با نهادهای اعتماد را در جامعه تقویت کرده است.» در مقابل، یکی از اعضای هیأت در سیستان و بلوچستان اظهار داشت: «ارتباط زیاد با نهادهای دولتی گاهی باعث می‌شود مردم فکر کنند هیأت‌ها مستقل نیستند.»

ب) مصالحه‌گری آیینی: در مناطق چند فرهنگی

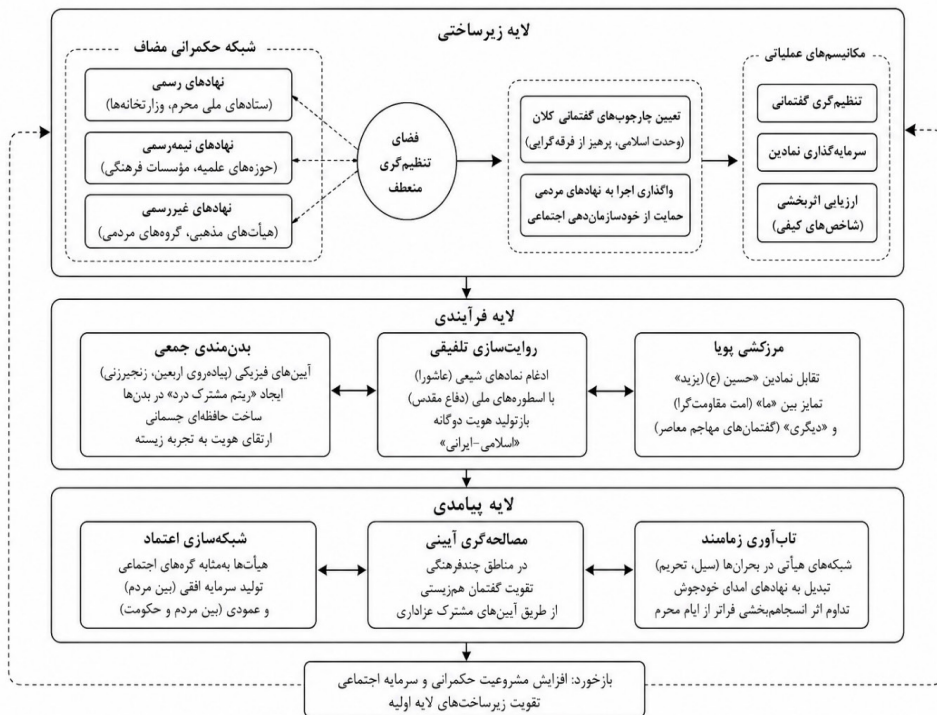
منعطف، از یک‌سو با تعیین «چارچوب‌های گفتمانی کلان» (همچون تأکید بر وحدت اسلامی و پرهیز از فرقه‌گرایی)، خطوط قرمز نمادین را ترسیم می‌کند و از سوی دیگر با واگذاری اجرا به نهادهای مردمی، از خودسازمان‌دهی اجتماعی حمایت می‌نماید. مکانیسم‌های عملیاتی این لایه شامل «تنظیم‌گری گفتمانی»، «سرمایه‌گذاری نمادین» و «ارزیابی اثربخشی مبتنی بر شاخص‌های کیفی» (مانند عمق هیجان جمعی) است.

یکی از مدیران ستاد محرم در تهران اظهار داشت: «ما با چارچوب‌های گفتمانی، سعی می‌کنیم وحدت را در آیین‌ها تقویت کنیم، اما گاهی هیأت‌ها این چارچوب‌ها را دست‌وپا گیر می‌دانند.» در مقابل، یکی از اعضای هیأت در خوزستان گفت: «این چارچوب‌ها به ما کمک می‌کند تا مراسممان منظم‌تر باشد، ولی باید انعطاف بیشتری داشته باشد تا با فرهنگ محلی هماهنگ شود.»

لایه‌ی فرآیندی: بازتولید هویت آیینی

در این لایه، تبدیل چارچوب‌های حکمرانی به هویت زیسته از طریق سه مکانیسم هم‌افزا ممکن می‌شود:

الف) بدن‌مندی جمعی: آیین‌های فیزیکی (مانند پیاده‌روی اربعین یا زنجیرزنی) با ایجاد «ریتیم مشترک درد» در بدن‌ها، حافظه‌ای جسمانی می‌سازند و هویت را از سطح شناخت به تجربه‌ی زیسته ارتقا می‌دهند. یکی از شرکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین از سیستان و بلوچستان اظهار داشت: «درد راهپیمایی اربعین ما را به هم وصل می‌کند و حس می‌کنیم بخشی از یک امت واحد هستیم.» اما یکی از جوانان در تهران گفت: «برای من پیاده‌روی بیشتر یک تجربه‌ی اجتماعی است تا یک حس عمیق دینی.»



شکل ۱. الگوی حکمرانی آیینی

گفت: «در زمان سیل، هیأت ما مثل یک ارتش امدادی عمل کرد.» اما یکی از مصاحبه‌شوندگان در مشهد اظهار داشت: «این فعالیت‌ها در زمان بحران عالی است، ولی بعد از آن تداوم ندارد.»

این مدل نشان‌دهنده جریان دوطرفه تأثیرگذاری میان لایه‌هاست که به‌جای روابط سلسله‌مراتبی، از هم‌پوشانی و هم‌تنیدگی عمیق بین ابعاد ساختاری، فرآیندی و پیامدی بهره می‌برد. به‌گونه‌ای که انسجام ایجادشده در لایه پیامدی، از طریق افزایش مشروعیت حکمرانی و سرمایه اجتماعی، به تقویت زیرساخت‌های لایه اولیه می‌انجامد.

(مانند سیستان و بلوچستان)، گفت‌وآم هم‌زیستی از طریق آیین‌های مشترک عزاداری تقویت می‌شود. یکی از برگزارکنندگان در سیستان و بلوچستان گفت: «دسته‌های مشترک شیعه و سنی، وحدت بی‌نظیری ایجاد می‌کند.» اما یکی دیگر در همان منطقه گفت: «تفاوت‌های فرهنگی گاهی هماهنگی این مراسم‌ها را سخت می‌کند.»

ج) تاب‌آوری زماممند: شبکه‌های هیأتی در بحران‌ها (سیل، تحریم) به نهادهای امداد خودجوش تبدیل می‌شوند و اثر انسجام‌بخشی را فراتر از ایام محرم تداوم می‌بخشند. یکی از اعضای هیأت در خوزستان



الگوی «شبکه‌ای» به‌جای ساختارهای «بالا به پایین»، رابطه‌ی حکومت و مردم را بازتعریف کرده و مشروعیت حکمرانی را از مسیر مشارکت مردمی افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتیجه‌گیری

مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پیشینه‌ی مطالعاتی نشان‌دهنده‌ی هم‌راستایی و نوآوری در تحلیل حکمرانی آیینی است. پژوهش‌های پیشین که به بررسی پیامدهای استکبارستیزی انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های راهبردی حکمرانی محلی فرهنگی (همچون قانون‌گرایی، پاسخگویی و عدالت) و نقش مبانی الهی در جهت‌دهی هویتی جمهوری اسلامی پرداخته‌اند، عمدتاً بر ابعاد کلان سیاسی و گفتمانی متمرکز بوده‌اند (Yaghini et al; 2021, Ghasemi, 2019; Jansiz & Rezapour, 2020). پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل حکمرانی مضاف در آیین‌های عاشورایی، افزون بر تأیید ابعاد هویتی و اجتماعی این مطالعات، الگوی سه‌لایه‌ای را معرفی می‌کند که تنظیم‌گری گفتمانی و خودسازمان‌دهی مردمی را به‌صورت دیالکتیکی برای مهندسی هویت و انسجام اجتماعی تلفیق می‌کند. یکی از مدیران هیأت در تهران اظهار داشت: «این چارچوب‌های گفتمانی به ما کمک می‌کند تا مراسممان با ارزش‌های انقلاب هم‌راستا باشد، اما گاهی حس می‌کنیم آزادی عملمان محدود می‌شود.» در مقابل، یکی از اعضای هیأت در خوزستان گفت: «همین چارچوب‌ها باعث شده هیأت‌ها نظم بیشتری داشته باشند و به هویت اسلامی-ایرانی نزدیک‌تر شوند.» این مدل با تأکید بر فرآیندهای تجربی مانند بدن‌مندی جمعی، روایت‌سازی تلفیقی و مرزبندی پویا، ابعادی نو به تحلیل‌های پیشین افزوده و به‌عنوان چارچوبی

یکی از اعضای هیأت در تهران گفت: «فعالیت‌های ما در هیأت‌ها باعث شده مردم به سیستم اعتماد بیشتری پیدا کنند.» اما یکی از مصاحبه‌شوندگان در خوزستان اظهار داشت: «این اعتمادسازی گاهی به نظر نمایشی می‌آید و نیاز به کارهای عمیق‌تر دارد».

هم‌چنین، هم‌تنیدگی میان لایه‌ها بیانگر آن است که مفاهیمی همچون بدن‌مندی به‌طور هم‌زمان نقش هویت‌ساز و انسجام‌بخش را ایفا می‌کنند. این مدل، مناسک عاشورا را به‌عنوان «مکانیسم حکمرانی فرهنگی» بازتعریف می‌کند که قابلیت تبدیل به الگویی جهانی برای جوامع دینی را داراست.

این مدل از طریق تبدیل آیین‌های عاشورایی به ابزارهای حکمرانی نرم، پاسخ‌گویی به چالش‌های گام دوم انقلاب را در دو حوزه امکان‌پذیر می‌سازد:

■ تهدیدات هویتی مانند شکاف نسلی و شیخون فرهنگی

■ چالش‌های انسجامی از جمله قومیت‌گرایی و تقسیمات طبقاتی

یکی از مدیران هیأت در اهواز گفت: «آیین‌های عاشورایی، جوانان را به ارزش‌های انقلاب نزدیک‌تر می‌کند.» در مقابل، یکی از جوانان در تهران گفت: «بعضی از این مراسم‌ها برای نسل ما قدیمی به نظر می‌رسد و نیاز به به‌روزرسانی دارد».

این مدل، «حکمرانی مضاف»، «بازتولید هویت» و «مهندسی انسجام» را در قالب مناسک دینی تلفیق می‌کند، قابلیت تعمیم و کاربرد نظریه‌ی بومی حکمرانی را در سایر جوامع اسلامی فراهم می‌آورد. مدل با شناسایی مکانیسم‌های عینی مانند بدن‌مندی و شبکه‌سازی هیأتی، به سیاست‌گذاران امکان طراحی برنامه‌های عملیاتی مانند «طرح هیأت‌های تاب‌آور» را ارائه می‌دهد و با جایگزینی

حس قدیمی بودن دارند.» انسجام مهندسی شده نیز در سطوح خرد (شبکه‌های اعتماد هیأتی)، میانی (مصالحه گری در مناطق چند فرهنگی) و کلان (تاب‌آوری در بحران‌هایی مانند سیل) تجلی می‌یابد. یکی از اعضای هیأت در سیستان و بلوچستان گفت: «دسته‌های مشترک شیعه و سنی نشان‌دهنده‌ی وحدت عمیقی است که عاشورا ایجاد می‌کند.» اما یکی دیگر در همان منطقه اظهار داشت: «تفاوت‌های فرهنگی گاهی هماهنگی این دسته‌ها را دشوار می‌کند.»

چالش اصلی این مدل، گسست زمانی اثرات انسجام بخش پس از ایام محرم است. برای رفع این چالش، راهکارهای علمی مبتنی بر یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شوند: (۱) تقویت برنامه‌های بین‌مناسکی (مانند هیأت‌های ماهانه یا اردوهای مجازی) که تداوم اثرگذاری انسجام را تضمین می‌کنند. یکی از برگزارکنندگان در اصفهان گفت: «هیأت‌های ماهانه‌ی ما باعث شده حس عاشورایی در طول سال حفظ شود.» اما یکی از جوانان در تهران گفت: «این برنامه‌ها برای نسل ما باید مدرن‌تر طراحی شوند تا جذاب باشند.» (۲) توسعه‌ی طرح‌های تاب‌آوری هیأتی، مانند ایجاد شبکه‌های امدادی دائمی مبتنی بر هیأت‌ها که در بحران‌ها فعال شوند. یکی از اعضای هیأت در خوزستان اظهار داشت: «ما در سیل نشان دادیم که هیأت‌ها می‌توانند مثل یک نهاد امدادی عمل کنند.» در مقابل، یکی از مصاحبه‌شوندگان در مشهد گفت: «این فعالیت‌ها بعد از بحران کمرنگ می‌شود و نیاز به برنامه‌ریزی دائمی دارد.» (۳) تقویت خودسازمان‌دهی مردمی با کاهش مداخلات مستقیم دولتی و افزایش حمایت‌های غیرمستقیم که مشروعیت و اعتماد به هیأت‌ها را افزایش می‌دهد. یکی از مدیران هیأت در تهران گفت: «وقتی خودمان مراسم را مدیریت

بومی، قابلیت تعمیم به سایر جوامع اسلامی را دارد (Babaei, 2011; Afzakhteh & Norouzi, 2020).

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مناسک محرم، فراتر از جنبه‌های روحانی، به‌عنوان مکانیسمی پیشرفته برای حکمرانی فرهنگی در جمهوری اسلامی عمل می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که حکمرانی آیینی مبتنی بر الگویی پارادوکسیکال است: از یک‌سو، تنظیم‌گری گفتمانی چارچوب‌های هویتی را با تعیین خطوط قرمز روایی مهندسی می‌کند و از سوی دیگر، واگذاری اجرا به هیأت‌های مذهبی امکان خودسازمان‌دهی اجتماعی را فراهم می‌سازد. این دیالکتیک از تاجر آیینی و بی‌ضابطگی نمادین جلوگیری می‌کند. یکی از برگزارکنندگان مراسم در مشهد گفت: «ما با آزادی عملی که از ستادها گرفتیم، توانستیم مراسم را با خلاقیت برگزار کنیم و جوانان را جذب کنیم.» اما یکی از مصاحبه‌شوندگان در سیستان و بلوچستان اظهار داشت: «این آزادی گاهی باعث می‌شود مراسم‌ها از چارچوب‌های اصلی فاصله بگیرند»

بازتولید هویت اسلامی ایرانی در گام دوم انقلاب، نتیجه‌ی هم‌افزایی سه مکانیسم آیینی است: بدن‌مندی جمعی (مانند پیاده‌روی اربعین) که هویت را به تجربه‌ی زیسته تبدیل می‌کند؛ روایت سازی تلفیقی (ادغام اسطوره‌ی عاشورا و دفاع مقدس) که هویت دوگانه را تقویت می‌کند؛ و مرزبندی پویا که در برابر گفتمان‌های مهاجم (مانند لیبرالیسم افراطی) مقاومت ایجاد می‌کند. یکی از شرکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین از اهواز گفت: «پیاده‌روی اربعین حس وحدت را در ما زنده می‌کند و ما را به هویت‌مان نزدیک‌تر می‌کند.» در مقابل، یکی از جوانان در تهران اظهار داشت: «این آیین‌ها برای من بیشتر اجتماعی است تا هویتی، چون گاهی



«ستادهای محرم» از نهادهای نظارتی به «مراکز تسهیلگری هیأت‌ها» با اختیار بودجه‌دهی پروژه محور (مبتنی بر مضمون ۱.۲: نهادهای واسط و نقش آفرینی هیأت‌های مذهبی).

■ مهندسی تداوم اثرگذاری: اجرای «طرح هیأت‌های تاب‌آور» با مأموریت فعالیت در بحران‌ها (سیل، زلزله، تحریم) (مبتنی بر مضمون ۳.۴: مکانیسم‌های تاب‌آوری جمعی در بحران‌ها).

■ الگوسازی بین‌المللی: تأسیس «مرکز بین‌المللی حکمرانی آیینی» برای انتقال تجربه‌ی ایران به جوامع شیعی (عراق، لبنان) (مبتنی بر قابلیت تعمیم مدل به جوامع اسلامی).

۲. پیشنهادهای هویتی و انسجامی

■ راهبرد روایت سازی نسل چهارمی: تولید محتوای دیجیتال (پویانمایی، بازی رایانه‌ای) با تلفیق نمادهای عاشورا و ارزش‌های نسل جوان (مبتنی بر مضمون ۲.۱).

■ طرح گفت‌وگوی آیینی: ایجاد «کارگروه‌های مشترک هیأت‌های اقوام» (کرد، بلوچ، ترکمن) برای طراحی مراسم عزاداری چند فرهنگی (مبتنی بر مضمون ۳.۲).

■ نقشه‌برداری سرمایه‌ی نمادین: تدوین «اطلس ملی ظرفیت‌های هویت‌ساز آیین‌های محلی عاشورا» (مبتنی بر مضمون ۲.۵).

۳. پیشنهادهای پژوهشی

به‌منظور تعمیم و ارزشیابی مدل ارائه‌شده، انجام پژوهش تطبیقی برای بررسی امکان‌سنجی اجرای مدل در سایر مناسک دینی (مانند نخل گردانی در یزد) پیشنهاد می‌شود. همچنین، طراحی «شاخص

می‌کنیم، مردم بیشتر به ما اعتماد می‌کنند.» اما یکی از اعضای هیأت در سیستان و بلوچستان اظهار داشت: «حمایت‌های دولتی گاهی باعث می‌شود حس کنیم استقلال‌مان کم شده است.» این راهکارها، مبتنی بر یافته‌های پژوهش، از طریق تقویت شبکه‌های اعتماد، مصالحه‌گری و تاب‌آوری، به تداوم انسجام و هویت‌سازی کمک می‌کنند.

این پژوهش با ارائه‌ی «الگوی حکمرانی آیینی»، گامی راهبردی در تحقق اهداف گام دوم انقلاب برداشته است. این الگو، با تلفیق تنظیم‌گری گفتمانی و خودسازمان‌دهی مردمی، چارچوبی بومی برای حکمرانی دینی ارائه می‌دهد که قابلیت تعمیم به جوامع اسلامی دیگر را دارد. یکی از خطی‌بان در مشهد گفت: «این مدل می‌تواند الگویی فراگیر باشد، چون ریشه در فرهنگ عاشورا دارد.» اما یکی از مصاحبه‌شدگان در تهران اظهار داشت: «برای فراگیر شدن این مدل، باید به نیازهای نسل جدید بیشتر توجه شود.» این مدل، با شناسایی مکانیسم‌های عینی مانند بدن‌مندی و شبکه‌سازی، امکان طراحی برنامه‌های عملیاتی مانند «طرح هیأت‌های تاب‌آور» را فراهم می‌کند و با جایگزینی ساختارهای شبکه‌ای به‌جای ساختارهای بالابده‌پایین، مشروعیت حکمرانی را از طریق مشارکت مردمی تقویت می‌کند. تحقق کامل این مدل نیازمند تحول ساختاری هیأت‌ها از «نهادهای شعائری» به «زیست‌بوم‌های مهندسی تمدن اسلامی» است که مستلزم عزم نهادهای حاکمیتی برای حمایت از خودسازمان‌دهی و نوآوری در آیین‌های عاشورایی است.

ب) پیشنهادها

۱. پیشنهادهای راهبردی به نهادهای حاکمیتی

■ بازطراحی نهادهای تنظیم‌گر: تبدیل



را بر عهده داشت، صمیمانه سپاسگزاریم. قدردان همه‌ی مدیران و اعضای هیأت‌های مذهبی و ستادهای محرم در شهرهای مختلف ایران هستیم که با وجود مشغله‌های فراوان، با صبر و حوصله به سؤالات پژوهش پاسخ دادند و تجربیات زیسته‌ی خود را با ما به اشتراک گذاشتند. همکاری صمیمانه‌ی آنان، امکان دستیابی به درکی عمیق از پویایی‌های آیین‌های عاشورایی را فراهم آورد.

ترکیبی انسجام آیینی» برای اندازه‌گیری کمی پیامدهای مدل می‌تواند اعتبار علمی آن را افزایش دهد. مطالعه‌ی نسلی در خصوص تغییر الگوهای بدن‌مندی آیینی (مانند زنجیرزنی و سینه‌زنی) در سه نسل مختلف نیز می‌تواند ابعاد تحول هویت و انسجام اجتماعی را مورد واکاوی قرار دهد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاقی پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش این مقاله رعایت شده‌اند. پیش از آغاز مصاحبه‌ها، هدف پژوهش برای شرکت‌کنندگان تشریح و رضایت آگاهانه اخذ گردید. اصل ناشناس سازی و محرمانگی داده‌ها به‌طور کامل رعایت شده و مشارکت‌کنندگان از حق انصراف در هر مرحله مطلع شدند. در مشاهدات مشارکتی نیز به فضای آیینی و فرهنگی احترام کامل گذاشته شد.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسنده مسئول، این مقاله تعارض منافع ندارد.

سپاسگزاری

نویسندگان مراتب سپاس و قدردانی خود را از نشریه‌ی محترم و داوران ارجمند آن ابراز می‌دارند. نقدها و پیشنهادهای سازنده‌ی داوران، نقش مؤثری در ارتقای کیفیت علمی و ساختاری این مقاله ایفا کرد. همچنین، اهتمام این نشریه در انتشار پژوهش‌های علمی و ترویج دانش بومی، شایسته‌ی تقدیر و ستایش است. همچنین از جامعه ایمانی مشعر که هماهنگی و تسهیل برگزاری مصاحبه‌ها



References

- Afrakhteh, A and Norozi, Z. (2020). The effectiveness of rituals and rituals on the soft power of the Islamic Revolution of Iran (with emphasis on Ashura culture). (The Islamic Revolution Approach, (50)14, 23-44. https://www.rahyafjournal.ir/article.110358_html?lang=en [In Persian]
- Azdānlu, Hamid. (2007). *Āshenāyi bā mafāhim-e asāsi-ye jāme'eh-shenāsi*. Tehran: Ney. [In Persian]
- Babae, H. (2011). The Historical Investigation of the Islamic "Coherence" and "Identity" after Ashura. *History of Islam*, 12(Issue 47), 7-39. https://hiq.bou.ac.ir/article_5233.html?lang=en [In Persian]
- Babaei Zarch, A. M. (۲۰۰۴). *Emmat va Mellat dar Andishe-ye Emam Khomeini (RA)* (1st ed.). Tehran, Iran: Markaz-e Asnad-e Enqelab-e Eslami. [In Persian]
- Bates, D. G. (1998). *Cultural anthropology* (2nd ed.). Allyn & Bacon.
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*. Sage Publications.
- Braun, V., & Clarke, V. (2022). *Thematic analysis: A practical guide*. Sage.
- Dekker, K. K., & van Kempen, R. (2004). Urban governance within the Big Cities Policy: Ideals and practice in Den Haag. *Cities*, 21(2), 109-117. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2004.01.007>
- Ghasemi, B. (2022). Analysis of successful experiences in the field of grass-roots governance: Iranian nation's anti-arrogance from victory to the second step of the Islamic Revolution. *Journal of Exalted Governance*, 2(4), 47-67. https://hm.sndu.ac.ir/article_1990.html?lang=en [In Persian]
- Ghasemi, V., Adlipour, S. and Kianpour, M. (2013). Interaction in Virtual Social Networks and its Impact on the Religious Identity of the Youth in Isfahan City. *Religion & Communication*, 19(42), 5-36. doi: 10.30497/rc.2013.1438 [In Persian]
- Hajiani, I. (۲۰۰۹). *Jame'eh-Shenasi Hoviat-e Irani* (1st ed.). Tehran, Iran: Pazhooheshkade-ye Tahqiqat-e Estratejik. [In Persian]
- Iman, M and Rouhani, A. (2013). *Islamic Identity and Competitive Identities* (Global, National and Ethnic Identity); (A Case Study of Shiraz University Students. *Journal of Iranian Cultural Research*, 6(1), 127-148. doi: 10.7508/ijcr.2013.21.006 [In Persian]
- Jansiz, A., & Rezapour, D. (۲۰۲۰). *Javanān dar Gofteman-e Siyasi-ye Moghām-e Moazzam-e Rahbari*. *Falansname-ye Elmi-ye Hokmrani-ye Motalei*, 1(3), 177-195. https://hm.sndu.ac.ir/article_1520.html?lang=fa [In Persian]
- Lakzai, N. (2006). *Sire-ye Payambar-e A'zam (PBUH) dar Gozar az Jame'eh-ye Jahili be Jame'eh-ye Eslami* (1st ed.). Qom, Iran: Boostan-e Ketab. [In Persian]
- Mahmoudi, A., Habibi, A. and Jemrasi, D. (2022). The role of people's participation in the evolution of governance. *Journal of Exalted Governance*, 2(4), 31-46. https://hm.sndu.ac.ir/article_1984.html?lang=en [In Persian]
- Mazaheri, M. H. (2010). *Resane-ye Shia: Jame'eh-Shenasi-ye Ayin-haye Sogoari va Hey'at-haye Mazhabi dar Iran* (4th ed.). Tehran, Iran: Sherkat-e Chap va Nashr-e Beynolmolal. [In Persian]



- Morshedizad,A and Ahmadlu,K . (2017). Components of Islamic and Iranian identity in his thoughts Ayatollah khamenei. National Studies Journal, 18(70), 63-76. https://www.rjnsq.ir/article_96325.html?lang=en [In Persian]
- Pourezzat,AA. (2021). Policy making Literacy and Governance in Disciplines. Journal of Public Administration, 13(2), 182-183. doi: 10.22059/jipa.2021.85674[In Persian]
- Rahmani, M., Khajeh Sarvi,G and Moradi,A . (2023). Interpretation of National Identity in the Statement of the Second Step of the Islamic Revolution”. Political Sociology of Iran, 5(11), 1873-1888. doi: 10.30510/psi.2022.310214.2468] In Persian[
- Yaghini ,M ,Khaza'i ,A & ,Qaemi ,M .R. (2019)Arze Molafe-haye Rahbordiyeye Hokmrani-ye Mahalli-ye Farhangi bar Asas Bayaniye-ye Gam-e Dowom Enqelab-e Eslami .Falansname-ye Elmiye Hokmrani-ye Motalei-161 , (1)2 , 210<https://hm.sndu.ac.ir/article.1817.html?lang=fa> [In Persian]